

خبرنامه

اتحاد نیروهای جنبه ملی ایران

شماره ۴۵ - سی ام اردیبهشت ۱۳۵۷

اقدامات ملت اعلامیه دولت

"دستگاه استبداد" که در طول سالیان دراز اختناق نتوانست بر ایستادگی قهرمانان مردم ایران تلبه کند و کارش به رسوائی در سر تا سر جهان کشید، بد نبال دگرگونی شیوه‌های و ایستگی، در موضع جدید و متزلزل خود کوشش کرد جهت ادامه سیطره شومش فزون تر از گذشته به دامن سلطه گران بیگانه پناه برد و به آنها نشان دهد که مخالفانش شایستگی اداره امور کشور را ندارند و اگر دگرگونی صورت گیرد، ایران بصورت "ایرانستان" و در زمره اقمار روسیه در خواهد آمد و در رابطه با این نیرنگ مبارزات مردم بیباک خاسته ایران در راه آزادی و استقلال کامل میهن را که هر روز پیش از روز پیش آگاهان کمتر و گسترده تر میشود تخطئه می نماید و بر آن نام "اعلان بیگانه" و "تحریک شدها جانب" و عنوان مسخره "مارکسیستهای اسلام" میگذارد تا این نیروی اصیل را که از بطن و متن جامعه نشأت گرفته است ناچیز یاد چار انحراف و در رابطه با آن سوی مرزهای کشور جلوه دهد. با اینهمه اوج گیری پیکارهای مردمی و پایداری مبارزان در برابر وحشیگریهای استبداد یان آبرویاخته، آنها را بیهوده صفحه سازی جدیدی برانگیخت که خود نشانه بارز سردرگمی و متزلزل این پاسداران سلطه بیگانه است.

"اعلامیه" شدید اللحن "دولت" که مبارزان را بیاد "حاکمان دهان دوز" گذشته می اندازد، بیشتر از اینکه در رکل جامعه موثر واقع شود، افشاگر و رسواکننده کردارهای ضد ملی و ضد اسلامی "دستگاه استبداد" گردید. سیطره ویران ساز استبداد بان بد نبال یورشهای "امپریالیسم فرهنگی" در تدارک بقیه در صفحه ۲.

حجسته باد بیست و نهم اردیبهشت زادروز دکتر محمد مصدق
یاد پیشوا راهنواره گرامی داریم

روز بیست و نهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ خورشیدی
چشمائی به زندگی گشوده شد که بعد ها سرنوشت ساز و رقمزن
تاریخ گردید.

زندگی در زیر بوم رویداد های خود، از جوان پرشوری که شوق
خدمت بمردم در رنگهای می جوشید سربازی مصمم و مشروطه خواهی
آگاه و سرانجام رهبری روشن بین و سخت کوش و انحراف ناپذیر
ساخت تا با سرسختی پیگیرانه، هموطنانش را که زیر سلطه بیگانه و
خفقان استبداد می رفتند تا به فراموشی سپرده شوند، رهبری کند
و آتش مقدسی را برافروزد که گرمای زندگی بخش آن در رنگهای خشک
آسیا و آفریقا خون جوشان و تازه بجریان افکند.

آتش فروزند، که تند باد حوادث هر قدر مهیب و اهریمنی
ناتوان از خاموش ساختنش باشد.

این آفتاب زندگی بخش، این گرمای هستی آفرین، دل‌هایی
را که سردی و رخوت جنگ و مرگ و دیکتاتوری از التهاب باز داشتند
بود، عاشقانه و بیقرار تپیدن آموخت. بقیه در صفحه ۲.

شکستن حریم خانه مرجع عالیقدر تقلید
ثانی دیکتاتور با اعمال ندن قانون اساسی

روز شنبه بیست و سوم اردیبهشت ماه اعلامیه‌ای بنام دولت در
روزنامه‌ها نشر یافت که در بخشی از آن نوشته شده بود "روز
چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه عدای از آشوبگران در یکی از
خیابانهای قیم ماموران انتظامی را مورد حمله قرار می دهند و به
هنگام تعقیب آنان به خانه یکی از مراجع تقلید می‌گریزند.

ماموران انتظامی که از افراد محلی نبودند و جریم منزل پیشوای
روحانیت را نمی‌شناخته اند در پی آشوبگران برای دستگیری
وارد منزل ایشان می‌شوند. . . ."

صرف نظر از کذب محض بودن ادعای دولت درباره علت و
چگونگی حمله به خانه حضرت آیت الله العظمی شریعتی در
مرجع عالیقدر شیعیان جهان که واقعیت آن در ستون خبرها و
تازه‌های این شماره از خبرنامه درج شده است، بقیه در صفحه ۲.

مقاله‌ای را که می‌خوانید یکی از مبارزان نهضت ملی شدن
صنعت نفت برای خبرنامه فرستاده اند تا در ۲۰ اردیبهشت
ماه، که روز آغاز زمامداری دکتر محمد مصدق بود نشر یابد ولی
با تاخیر دست ما رسید، اکنون با پوزش از این کوشند مدیریای
و با امید بهره‌گیری مبارزان راه آزادی و استقلال ایران به
درج آن مبادرت می‌شود.

جهت یابی حرکت آزادی و استقلال

در بررسی شیوه‌های مبارزاتی حکومت ملی مصدق

د هم اردیبهشت / ۱۳۳۰ روزیکه ملت را در رشادی فرو برد
بقیه در صفحه ۴

پیش سوی همه بستگی همه نیروهای ملی برای آزادی و استقلال

اقدامات ملت . . .

از صفحه ۱

نابودی کانون بنیاد مند ملت، یعنی "جامعه روحانیت" است و این هنجار در تاریخ پرتلاطم ایران کم سابقه و شاید بی سابقه باشد.

رسانه های گروهی "وابسته به استبداد، با حمله به مذ هب و نهاد های اعتقادی مردم و مراجع عظام بویژه حضرت آیت الله العظمی خمینی که مورد اعتقاد قاطبه شیعیان جهان هستند، آشوب های ماه های اخیر را شروع کرد.

طبیعی ترین حق افراد هر جامعه ای، واکنش آرام و دفاع از مقدرات خود می باشد.

"دستگاه استبداد" به هیچ یک از اعتراض های منطقی و اسلامی مردم پاسخ نداد و در شهرهای مختلف "کشتارهای جمعی" بوجود آورد و ملت مسلمان و آگاه ایران را در "اربعین" های متعدد سوگوار ساخت.

در شهرهای مختلف، آشوب و فتنه برپا کرد و با عکس و تفصیلات در روزنامه های دولتی به چاپ رساند. از یک سو به "آنان" میخواست نشان دهد، که ملت ایران "آشوبگر" و "اغتشاشی" است و از سوی دیگر مبارزان راستین میهن ما را به خاک و خون کشید و سرتاسر ایران زمین را از "خون جوانان وطن" لاله گون ساخت.

در روزهای ۱۹ تا ۲۲ اردیبهشت ماه، به جنایت های دست یازید که برآستی روی "مغولان" را سفید کرد چه آنان بگونه بیگانگان غیرمسلمان، احترام "نجم الدین کبری" آن عارف وفادار بمردم را و لویطاً هر رعایت کردند. این تاراجگران هار شده استبداد منس، حرمت منازل آیات عظام را که در سراسر تاریخ تشیع محل تحصن و بست، مردم مسلمان و حتی غیرمسلمان بوده رعایت نکردند و چون "اقوام مهاجم" وارد آنجا شدند و حاضران را مضروب و مجروح ساختند و حتی مغز طلبه جوان و پیرشور و حق طلبی را با طپانچه ای که از پول ملت فراهم شده، آشفته کردند و قطعاتی از آنرا نقش بردیوار ساختند.

اکنون بد نبال اینهمه ویران سازی و ایرانی کشی به نشر "اعلامیه" مبادرت می کنند و بسیار "ناشیان" دست خودشان را باز می نمایند. تحلیل "اعلامیه دولت" (کیهان ۲۱ اردیبهشت ماه) حرکت مذ بوحانسه "دستگاه استبداد" را بخوبی روشن میسازد:

۱- شهرهای مختلف کشور "صحنه خرابکاری و آشوبگری" بوده است.

۲- خرابکاران و آشوبگران "یک گروه معدود" بوده اند.

۳- با تعرض به جان و مال افراد "آسایش را از

بقیه در صفحه ۳

... استبداد . . .

از صفحه ۱

مصدق سلسله جنیان ساززهای گردید که استعمار را با همه نفوذ گسترده اش در ریخ وین هستی مردم سراسر خاورمیانه از پای در آورد.

اوجون دیگر قهرمانان تاریخ ساز با آتش و خون به صحنه تاریخ گام نهاد و به ابدیت پیوست.

مصدق معیار شرف، پاکی، درستی، میهن دوستی و ملت گرایی بوده و هست و آنها که ابلهانه کوشیده و میکوشند نامش را از صفحه تاریخ بزد آیند آب در غریبال می ریزند.

آن قامت بلند شکیبایی، آن تناور، آن کوه استقامت و پایمردی، آن چشمه سار مهربانی و گذشت که جویبارهای آب شیرین در مرداب تلخ و سیاه زندگی میهن ما روان ساخت، صبور و خاموش بیش از بیست و پنجسال از زندگی را در تبعید و زندان گذراند بی آنکه لحظه ای از اندیشه مردمی که بخاطرشان درفش نبرد را کاوشان بردوش داشت جدا باشد.

مصدق پیوسته با مردم، در میان مردم و همچون مردم زیست و گرچه توطئه استعمار و سرنیزه استبداد او را از میان مردم بودن محروم گردانید آخرین پیامش که در گورستان شهیدان سیام تیر خاک سپرده شود نمایانگر این آرزوی همیشگی اوست:

خاطره این خرد همیشه بیدار، عشق بی پایان و پیر طریقت جاودانه گرمی باد.

شکستن حریم خانه . . .

از صفحه ۱

و باز صرف نظر از اینکه حمله به خانه یک مرجع تقلید "که میلیونها تن از شیعیان جهان پیروان وفادار ایشان هستند زشتکاری بزرگی است که در طول تاریخ ایران نظیر نداشته و نمونه آن حتی بهنگام حمله لشکریان بیگانه به کشور هم کمتر دیده شده است و پرده پوشی و دروغ پردازی "دستگاه استبداد" بهیچوجه برای جبران چنین مصیبت بزرگی کفایت نمی کند.

اعلامیه دولت خود نشانه بارزی از بی اعتباری قانون و لجام گسیختگی رژیم استبداد فردی در کشور است.

اصل سیزدهم قانون اساسی میگوید "منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهران نمیتوان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر میدارد" و در قوانین عادی کشوری نیز ورود به خانه هر فرد ایرانی را تابع تشریفات و مقررات خاص و از جمله داشتن اجازه دادستان کرده است.

بقیه در صفحه ۴

پیروز باد ملت

اقدامات ملت . . .

از صفحه ۲

جهت یابی . . .

از صفحه ۱۴

گروه بزرگ " سلب کرده اند .

۴- دولت کوشیده تا با " حد اکثر ملامت و مدارا "

از طریق " ارشاد و راهنمایی " این گروه معدود را به " بیهودگی تلاش ها " یشان متوجه سازد .

۵- این گروه معدود تصور کرده اند که " تحمل دولت نامحدود است .

۶- ولی در برابر " خواسته های روزافزون مردم " که میخواهند در " آرامش زندگی کنند " دولت " تحمل بی نظمی و آشوبگری را نخواهد کرد .

۷- و در نتیجه اخلاط لگران را " به شدیدترین نحو تعقیب و بر طبق قانون محازات خواهد کرد " .

بد نیال این در روپردازی قلد رانه مثل همیشه ماشین تبلیغات دستگاه استبداد بکار افتاد ،

کرسی نشینان کاخ های شورا و سنا ، اعضای شورا های دانشگاهی ، اصناف و طبقات مختلف و . . . بصور

گوناگون " اعلامیه دولت " را تأیید کردند و سرانجام طبق گفته سخنگوی دولت و وزیر اطلاعات و جهانگردی (کیهان

۲۶ اردیبهشت ماه) " پشتیبانی مردم از اعلامیه اخیر دولت سبب دلگرمی و تشویق بیشتر ماموران در

انجام وظایفشان شده است " و در نتیجه " به همه مراجع مسئول دستور اکید داده شده که با تمام قوا به وظایف

قانونی خود عمل کنند و در چارچوب قانون هر گونه

اخلالگری را با شدت و با رعایت موازین قانونی سرکوب سازند " .

کیست نداند که " خرابکارها و آشوبها " بدست دولت است ؟

کیست نداند که این " گروه معدود " دولت است که فقط بکمک خارجی و با پول " گروه بزرگ " یعنی ملت "

بناد رستی در مسند حکومت نشسته است . اکثریت مردم ایران مسلمان هستند و بحکم اسلام از احکام علمای عظام

پیروی کرده اند گروه معدود " همان فرقه " شناخته شده است که سخنگوی دولت آنها را می شناسد .

کیست نداند که " جامعه روحانیت " با مبارزه در رست خود در این شرایط تاریخی ، چگونه مدافعان حقیقی

استقلال و آزادی ایران در آمده اند .

کیست نداند " آسایش و امنیت " را سالهاست که دولت از ملت سلب کرده است ، کیست نداند که " دستگاه استبداد " هیچگاه " ملامت و مدارا " نداشته است و

همه جا با زور و قلد ری و گلوله واء دام جواب مردم را داده است .

بقیه در صفحه ۴

د تاریخ مبارزات ایرانیان روز بزرگی است .

چه باگذشت چهل و هشت سال از مشروطیت بد نیال

یورشی که حکومت انگلستان با کودتای ۲۹ به ۱۲ به آزادی و استقلال ملی ما برد و در پی اشغال کشور در جنگ

جهانی دوم ، برای اولین بار در این روز تاریخی بود که پس از ۵۵ روز مناقشه میان جناح های هیات خاکه بدست

نشاند ، بالاخره رعب حاصل بر مجلس شورای ملی که از مرگ عامل سیاست موازنه مثبت (سپهبد حاجعلی

رزم آرا) حاصل آمده بود همه گروه ها را به منظر میهن پرستی و استقلال یعنی د کتر محمد مصدق متوجه

ساخت تا طرخی که بنام سعادت ملت ایران در جهت اجرای اصل ملی شدن نفت در سراسر کشور از تصویب

مجلس گذرانیده بود خود بموقع احزاب گرد .

پیشوا پد یرش نخست وزیری را بشرایطی موکول ساخت و مجلس نیز آنرا پذیرفت د کتر مصدق بدون آنکه در کاخ

نخست وزیری اقامت کند در سنگر قانونگزاری و در اولین رهنمود خود بدلت ایران توجه داد که برای بشمر رسیدن

نهضت ملی ایران باید بافت ضد ملی حکومت را تار و پود کن شدن درخت استعمار تحمل کند و صریحا اعلام داشت که

قبول زمامداری از طرف او هرگز نهاد ضد مردمی حکومت را بیکروزه د گرگون نساخته است .

یک نظریه ترکیب این کابینه ملی بخوبی میرساند که د کتر مصدق در عین سرسختی در راه احقاق حقوق ملی

دربدایت امر همکاران خود را از میان گروه های گوناگون انتخاب کرده و در هر موقع و زمان بر حسب شرایط مبارزه

دست به تغییر عوامل اجرائی زده است و حتی تا روز ۲۸ مرداد هم همه (همکاران) دولت مصدق (همگامان

جبهه ملی) نبوده اند .

کابینه اول د کتر مصدق را میتوان کابینه تقریبا ائتلافی نام نهاد که برای اولین بار مبارزان جبهه ملی را با عوامل

دیوانی گذشته د رکنار هم می نشاند ولی هرگز این همکاری د وام نیاورد و در برابر هر موقعیت جدید تغییراتی بیشتر

در جهت سپردن سنگر های ملی بمبارزان معتقد حاصل میگردد . این تغییرات نشان دهنده روشن بینی

پیشوا و جهت گیری او در راه استیفای حقوق ملی و آزادی و استقلال ایران بشمار میرود .

گرچه تنی چند از دیوانیان بالحقا بکابینه مصدق و همکاری در راه تحقق آرزوهای ملی اصالت خود را به ثبوت رساندند ولی مقایسه شخصیت - طرز اندیشه هر

یک از آنان که در طول بیست و هفت ماه و هیچد هر روز بقیه در صفحه ۴

اقدامات ملت . . .

از صفحه ۲

جهت یابن . . .

از صفحه ۲

کیست نداند که این دستگاه بند از بند گسخته، خودش را نمی تواند اداره کند تاجه رسد به "ارشداد و راهنمایی".

کیست که این "تلاش" های مزورانه "دستگاه استبداد" را که "بیهودگی" آن آشکارتر شد، است نداند. کیست نداند، که این ملت ایران است که "تحملش" تمام گردیده و در برابر "خواستهای روزافزون" بیسه واکنش برخاسته و می خواهد در "آرامش" زندگی کند و دیگر تحمل "آشوبگریهای" دستگاه استبداد را نخواهد کرد و رخط دفاع از وطنش قرار گرفته است.

بالاخره کیست نداند که ملت ایران در برابر همه تهدیدها و تعقیبها پایدار ماند است و بی آنکه خللی در عزم آهنینش ایجاد گردد، مبارزه استقلال طلبانه و آزاد یخواهانه خود را ادامه داده است.

دستگاه استبداد باید بداند، مردم بپا خاسته ایران بخوبی میدانند که سیطره استبداد در حال سقوط است ولو "قره نوکر" های آن سم در خاک بکوبند و لوس به شیوه های دلخراش به "بزرگ کردن" سازمانهای پیوسیده، خود بپردازند.

ملت ایران نه به این ظواهر سازبها و وعده هاد لخوش میکنند و نه از این تهدید های می ترسد. میدانند که در پست استبداد در حال فرو ریختن است.

نبرد حق طلبانه مردم مسلمان و آگاه ایران با "دستگاه استبداد" در بودن یا نبودن ایران است، در بودن یا نبودن اسلام است، ملت ایران سختیهای زیاد تری را تحمل کرده است. در یاد ریا آسیب های فراوانتری را گذرانده ولی ماند است و خواهد ماند.

ملتی که از گذرگاه های سخت تاریخ گذشته است بآرد یگر آینده، ایران را خواهد ساخت، ایرانیستی مستقل و آزاد.

شکستن حریم . . .

از صفحه ۲

در حالیکه راعلامیه خود بطور صریح و رسمی اقرار کرد که ما مورانش بدون اجازه و با حالت هجوم وارد خانه ای شد هودست به کشتار مردم زد هاند و وقیحانه گناه این عمل ضد انسانی خود را به گردن کسانی که در برابر وحشیگری و تجاوز در خانه پیشوای روحانی خود پناه جسته اند می اندازد. نکته دیگری که از اعلامیه وقیحانه دولت مستفاد میشود

آنستکه "دستگاه استبداد" چون گمان میبرد ما موران محلی از نظر عاطفی و انسانی در انجام دستورهای خلاف قانون تردید نشان دهند برای سرکوبی مبارزان از نیروهای غیر محلی استفاده می کند تا همچون یک قشون اشغالگر بایستی رحیمی و درنده خوئی رفتار کنند.

زمانه آری با وی همکاری کرد هاند نمود ارگوبائی از شیوه حکومت ملی در جهت مبارزه اساسی بود هاست که بایست مبارزان امروز و جوانان پرشور ایران از آن پند و الوها بگیرند. اختلا فاتی که میان منش و شخصیت سیاسی وزیرای د کتر مصدق بچشم می خورد مبین این حقیقت است که اکثر شرط اساسی همکاری که "صلاحیت" و "وطن پرستی" و "پاکد امنی" است در ارا بود هاند و بر حسب شخصیت برای مشاغلی که در خور بود هاند بکار گرفته شد هاند و میتوان بابر سی صد قیق این شیوه ها ضوابطی را برای تعیین موضع مبارزاتی شخصیتها و گروههای ملی در زمان حاضر فراهم گردانید.

نهضت ملی ایران در ریست و پنج سال پیش هنگامیکه آسیا و آفریقا در زیر بار استعمار کمر خم کرد ه بود ند شکل گرفت و بدری که مصدق و همکارانش بنام رهبر مبارزات ضد استعماری شرق در دل جوامع اسیر شده و جهان سوم افشاند ند اکنون بصورت درختهای تناوری در سرزمینهای آسیائی و آفریقائی به برنشسته است.

ما که خود بانی این مبارزه بود ه ایم در چه حالیم؟ در کام دیکتاتوری و خود کامگی استعمار ساختیم، گرفتار و تنها مایه امیدمان وحدت نظری است که همه مردم و گروهها در مبارزه با دیکتاتوری و استبداد و رسیدن به استقلال واقعی در ارا هستند و در راه آن جان نیز میگذارند ولی متاسفانه هنوز مبارزه شکل سازمانی و اجتماعی که بد آن نیاز دارد بخود نگرفته و مبارزات همه جانبه مردم چه در داخل و چه در خارج در زیر پرچم واحدی متشکل نگردیده است.

حقانیت مبارزه حکم میکند که مبارزان راه آزادی و استقلال ایران با دقت و دراندیشی متوجه اعمال خود باشند و شعارهای خود را با بینش کافی انتخاب کنند که نه تنها شعارهای نامناسب صفوف مبارزان را برانگند ه نسازد بلکه موجب تشکل و همه گیری مبارزه در تمامی سطوح گردد.

بامرور تاریخ مبارزات ملی ربع قرن گذشته کشور این نتیجه حاصل می شود که با الهام از شیوه های پیشوای برگزیده ه ملت ایران شعار کلی مبارزه را مشخص گردانیم و سازمانی صالح و پویا برای رهبری این جنبش ایجاد کنیم.

این شعار، شعار آزادی و استقلال ایران و این سازمان جبهه، ملی ایران است همان سازمانی که سالها تجربه اسد و حقه و با الهام از مکتب مصدق و خط مشی مصدق اعتماد عمومی را بخاطر حقانیت در پشت سردارد.

خبرها و تازه ها

جگونگی هجوم چتر بازان نیروی مخصوصین بخانه

حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری

بامداد روز چهارشنبه بیستم اردیبهشت ماه در حالیکه سراسر شهر مقدس قم زیراشغال نیروهای مسلح بود و به دنبال "گشتار جمعی" مردم بی دفاع در روز قبل در بازار و خیابان همه حجره ها و مغازه ها و بناگاه های خصوصی و حتی بعضی از ادارات دولتی بسته بود و از خانه ها جز شیون عزاداران صدائی بگوش نمی رسید و تنها در خانه مراجع عظام تقلید و بعضی از استادان عالیقدر حوزه علمیه طلاب و بعضی از مردم اجتماعهای کوچکی برای رایزنی و چاره اندیشی داشتند .

"دستگاه استبداد" باگسیل یک واحد ضربتی به خانه حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری مرجع عالیقدر تقلید به وحشیگری بی مانند ی دست زد .

در این روز در حدود ساعت ده بامداد نخست چند هلیکوپتر در قطعه زمینی که در نزدیکی منزل حضرت آیت الله قرار دارد و به "زمینهای غروی" معروف است عدای چتر بازان از واحد مخصوص پیاده می کنند و سپس این عده در حالیکه همه مسلسل در دست داشتند تحت فرماندهی یک سرلشکر که لباس چتر بازی به تن داشته با فریاد های مخصوص به خود ضمن تیراندازی به صحن بیرونی خانه مسکونی حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری هجوم می برند و پس از کشتن یک طلبه در آستانه در روز خمی کردن چند نفر دیگر وارد صحن حیاط و سپس اطاقها شده و همه حاضران را مورد اهانت و ضرب و شتم قرار داده و سرلشکر فرمانده آنها مغز آقای ستار کاشانی طلبه شجاعی را که به این بی حرمتی اعتراض می کند هدف گلوله قرار میدهد و به شهادت میرساند و طلبه دیگری هم در اثر اصابت گلوله زخمی میشود و بقیه طلاب راهم پس از ناسزاگویی و کتک زدن بسیار بخارج از خانه برده و غد های از آنها را به زندان میفرستند .

این واحد ضربتی سپس درها و پنجره ها را شکسته و بارساندن آسیب های فراوان از خانه خارج و به محل فرود بازگشته و یکسره به تهران باز میگردد .

حضرت آیت الله العظمی روحانی

در خانه خود بحالت بازداشت در آمدند

بدنبال فشارهای خلاف قانون "دستگاه استبداد" به "جامعه روحانیت" و حمله به خانه های مراجع عظام تقلید و تبعید چند تن از روحانیان برجسته از نیمه روز

سه شنبه بیست و ششم اردیبهشت ماه ماموران شهربانی خانه حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق روحانی را محاصره و حیاط بیرونی را اشغال و تلفن راهم قطع کرده اند و خود ایشان در حیاط اندرونی تحت نظر هستند و به هیچکس حتی خویشان و نزدیکان اجازه رفتن به داخل خانه داده نمی شود .

بزرگداشت شهیدان در تهران

روز پنجشنبه بیست و یکم اردیبهشت ماه پیش از پنجاه هزار تن از گروه های اجتماعی مختلف بویژه بازاریان و پیشه وران شرافتمند و دانشجویان مبارز تهران در مجلس یادبودی که به دعوت "جامعه روحانیت تهران" و سه تن از شخصیت های مبارز در مسجد جامع تشکیل شده بود شرکت نمودند تا یاد شهیدان گلگون گفن بزد و جهرم و اهواز را گرامی دارند .

در این روز حجره ها و مغازه های بازار و همه خیابان های اطراف آن بکلی تعطیل بود و از صبح زود ماموران پلیس و شخصی پوشهای ساواک سراسر بازار را اشغال و حتی عده زیادی از نیروهای ارتشی با داشتن تجهیزات کامل در خیابان بوذرجمهری و دیگر خیابانهای اطراف استقرار یافته بودند و با مانورهای گوناگون میکوشیدند مردم را از رفتن به مسجد باز دارند .

این اجتماع شکوهمند بررغم دسیسه های دستگاه استبداد "سه ساعت برپا بود و بانهایت نظم به سخنان پرشور حجت الاسلام آقای عبائی گوش فراداد و حتی شکستن دیوار صوتی به وسیله هواپیما و ایجاد صدای مهیب آن و وحشت انگیزی ساواکی ها که خود را در میان مردم جازده بودند از ادامه آن جلوگیری نکرد .

در پایان مجلس هنگامیکه سیل جمعیت به خیابانها سرازیر شد، گماشتگان حکومت استبدادی که توطئه های خود را نقش بر آب دیدند وحشیانه به صفوف مردم که با آرامش و نظم در حرکت بودند حمله ور شدند و با بکاربردن گاز اشک آور و استفاده از باطوم و چماق و سرانجام با تیراندازی صد هاتن از شرکت کنندگان را زخمی و عده کثیری را دستگیر و در فاصله میان بازار و کلانتری آنها را بشدت مضروب کردند .

مبارزان با ایمان که هم از خبر "گشتار جمعی" مردم قم در روز قبل و هم از حمله وحشیانه پلیس خشمگین شده بودند در بخشهای مرکزی شهر تا نزدیکی های غروب به تظاهر علیه دیکتاتوری فردی ادامه دادند و نیروهای به اصطلاح انتظامی ناچار شدند با وسایل زرهی و کامیون راهها را ببندند و رفت و آمد را قطع کنند .

زندانیان و تبعید شدگان سیاسی را آزاد کنید

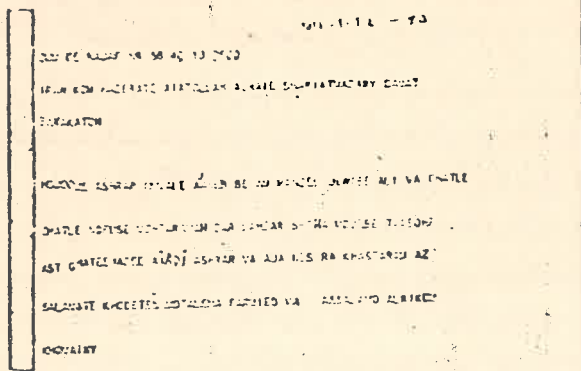
یورش در نیمه شب تبعید روحانیان عالیقدر ادامه دارد

روز پنجشنبه بیست و یکم اردیبهشت ماه، جلسه فون العاده " کمیسیون امنیت اجتماعی " شهرستان قم که نقشی جز ایجاد ناامنی و وحشت ندارد رای به تبعید تنی چند از روحانیان مبارز و سرشناس شهسوار آزاد ه قم داد. بدنبال این تصمیم نیمه شب جمعه ۲۲ اردیبهشت ماه در زخمیان ساواک بفرماندگی یک سرهنگ به خانه حضرت آیت الله آقای حاج سید مرتضی پسندیده برادر هشتاد و پنج ساله حضرت آیت الله العظمی خمینی پیشوای عالیقدر عالم تشیع رفتند و ایشان را از بستر بیرون کشیدند و به انارک نائین می بردند. امین رفتار خشونت آمیز و تغییر آب و هوا سلامت حضرت آیت الله پسندیده را اختلال افکند ه است. همزمان با این یورش حجت الاسلام آقای کلا نتر گوینده ه شجاع مذهبی و حجت الاسلام آقای غیفرمی واعظ مشهور نیز دستگیر و به انارک نائین تبعید میشوند. در روز یکشنبه بیست و چهارم اردیبهشت ماه نیز نویسنده مبارز حجت الاسلام والمسلمین آقای سید هادی خسرو شاهی داماد حضرت آیت الله روحانی در شهر قم دستگیر و به انارک نائین تبعید میگردد. در همین روز دوتن دیگر از روحانیان مبارز آقایان حجت الاسلام گل سرخی و حجت الاسلام موسوی در قم دستگیر و به مخلی که هنوز روشن نگردد تبعید شدند.

نامه "جامعه روحانیت تبریز" به حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری

روز پنجشنبه ۱۳۵۷/۲/۲۱ بیست و نه تن از روحانیان عالی مقام و مبارز تبریز نامه ای برای حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری "مرجع عالیقدر جهان تشیع" فرستادند و طی آن نوشته اند "خبر وحشتناک و تاسر آور، هجوم ماموران مسلح ضد شورش ارتش و گارد شهربانی به دولت منزل حضرتعالی در روز چهارشنبه که طی آن دوفراز طلاب علوم دینی در داخل منزل آن حضرت مقتول و عده زیادی مجروح شده است. . . . موجب نگرانی و ناراحتی مجدد روحانیان و مردم متدین آذربایجان گردید" و سپس در نامه خود اضافه کرد هاند "بیتی که بیت مرجعیت و روحانیت شیعه بوده و علاوه بر احترام خاص مذهبی مصونیت قانونی هم دارد از یورش نیروهای مسلح ارتش و شهربانی مصون نمی باشد جامعه روحانیت تبریز و حومه و مردم غیور و

بموندنا گسستنی در "جامعه روحانیت"



متن تلگراف حضرت آیت الله العظمی خمینی

قم از نجف ش ۵۸ ک ۴۰ ت ۱۳
ایران قم حضرت آیت الله آقای شریعتمداری
د اهت برکاته
هجوم اشراعمال اجانب به منزل جنابعالی و قتل
نفوس محترمه در محضر شما موجب تاسف است
قطع ید ایادی اشرا و اجانب را خواستارم، از
سلامتی خودتان مطلعم فرمائید والسلام علیکم
خمینی

متن پاسخ حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری

حضرت آیت الله آقای خمینی دست گار
در روز شنبه بیست و چهارم اردیبهشت ماه
خبر تلگراف شریعتمداری تحفه ایست که در روز شنبه ۲۲ اردیبهشت

متدین آذربایجان این عمل ننگین را اهانت به مقدسات مذهبی و توهین به همه مردم مسلمان تلقی نمودند و با ابراز تنفر و انزجار شدید با کمال بیصبری منتظر صد ورا و امرا لازم از ناحیه مبارک حضرتعالی هستند و یکبار دیگر پشتیبانی و آمادگی خود را در راه دفاع از مقدسات مذهبی و در راه پیشبرد اهداف عالی حضرتعالی و سایر مراجع عظام اعلام داشته و تا پای جان ایستادگی خواهند کرد".
در خاتمه معروض میشود که مردم تبریز و حومه فعلا به اعتصاب خود در این مورد ادامه میدهند و اگر رسیدگی به این کار نشود مسئولیت عواقب وخیم آن بمعهد ه دولت است.

وحدت عمل "جامعه روحانیت" ضامن عظمت اسلام و آزادی و استقلال ایران است